

■ **بیش از هفت سالی می‌شود که به گویندگی کتاب‌های صوتی مشغول هستید؛ چطور شد که تئاتر را رها کرده و سراغ این عرصه آمدید؟**

خیلی اتفاقی بود!بله پیش‌تر به تئاتر مشغول بودم. اوایل دهه هشتاد آموزش و کار تئاتر را نزد آقای ابوالحسنی، از تئاتری‌های بنام مادران‌زار شروع کردم. بعدتر به پیشنهاد استاد علی دنیوی، از چهره‌های قدیمی و شناخته‌شده نمایشنامه‌نویسی به رادیو رفتم، البته همراه با همسرم، مریم پاکزاد. اینها از استادانی هستند که بنابه شرایط زندگی شان برای فعالیت‌های هنری خود ساکن تهران نشدند. هرچند که استاد دنیوی به‌رحال میان تئاتری‌ها شناخته شده است و نوشته‌های او بارها در رادیو نمایش تهران و از سوی کارگردانان مطرحی همچون صدرالدین شجره، بهزاد فرحانی و ژاله علو اجرا شده‌اند. اینها که گفتم به سال ۸۷ بازمی‌گردد، تا پیش از آن سابقه کار در برابر میکروفن نداشتم. راستش جنس کار روی صحنه تئاتر با نمایش رادیویی که مقابل میکروفن است تفاوت بسیاری دارد. به‌مرور این رسانه تازه، تفاوت‌ها و ملزومات آن را فهمیدم؛ مثلاً اگر روی صحنه تئاتر به فلان شکل فریاد می‌زدم، پشت میکروفن رادیو فهمیدم که همان را باید به شکل دیگری انجام بدهم.نمایش رادیویی به‌مراتب دشوارتر از اجرای روی صحنه است.

■ **از جهت اینکه دیگر باید ربه کمک گرفتن از حالت‌های صورت و زبان بدن نبودید؟**

بله، روی صحنه ومقابل تماشاگران، با کم‌ی شل کردن بروها و تغییر حالت چشم‌ها به‌راحتی می‌توان حس

گویا، واخون و... حتی پلنفرم‌های عرضه کتاب‌های صوتی الکترونیکی!

البته خانم محمدی، مدیر مؤسسه «نوبین کتاب گویا» تقریباً از ابتدای سال ۹۰ کار خود را شروع کرده بود، اما خیلی محتاط و با تولیدات کمی پیش می‌رفت. من، همسرم و چند نفر دیگر آزمایشی چندصفحه‌ای خواندیم و ضبط شد؛ چند روز بعد تماس گرفتند دوباره برویم.

بنای همکاری‌مان از همان زمان شروع شد.

■ **جالب است، برخلاف اغلب افرادی که از ابتدای کار خود با شوق زیاد یاد می‌کنند اما شما تأکید دارید که با آن آشنا نبودید و...**

خب باید صادق باشم، برخلاف حالا هیچ تصویری از کار در این حوزه نداشتم.

■ **در خاطر‌تان هست که نخستین کتابی که با گویندگی شما ضبط و منتشر شد چه بود؟**

یک مستند تاریخی با عنوان «امپراطوری ایران»، نوشته «دان ناردو» از انتشارات ققنوس بود. آقای حسین زادگان از نخستین ناشرانی بود که آوانامه را باور کرد. مدیر آوانامه هر هفته برای صحبت و جلب موافقت ناشران به تهران می‌رفت. اما همان ابتدا از کارنامه کار می‌خواستند؛ حالا بماند که وقتی می‌فهمیدند آوانامه در تهران دایر نیست دیگر توجهی نمی‌کردند. من و دیگر دوستان شاهد بودیم که تا جلب‌نظر ناشران، حداقل آنهایی که هم‌اکنون با آنان همکاری داریم چه راه سختی طی شده است. از طرفی ناشران به صوتی کردن آثار خود خوش‌بین هم نبودند.

می‌گذاریم، می‌خوانیم و تمام. گوینده قرار است با داستان بخواند یا نداشتان. کتاب‌های غیرداستانی، همچون همان اثر تاریخی که اشاره شد نیازی به لحن‌سازی ندارند. البته حتی برای این کتاب‌ها هم گوینده باید صدای خوبی داشته باشد، این کار را بشناسد و با فونن آن آشنا باشد. اما برای آثار داستانی نیاز به‌پیش تولید است؛ باید کتاب را قبلاً بخوانید. برای هر کاراکترها متناسب با شرایط آنها شخصیت‌سازی و حتی صداسازی کنید. حتی کلیت داستان را درک کنید؛ اینکه اثری پلیسی – جنایی است یا عاشقانه و... اینها مواردی است که تأثیر زیادی در چگونگی خوانشی دارد. محال است که بدون این کارها بتوان گویندگی اثر داستانی را انجام داد.

■ **تفاوت و شباهت گویندگی آثار داستانی با توجه به نکات ذکر شده با بازیگری در چیست؟**

مهم‌ترین نقطه اشتراک آنها برون‌ریزی عاطفی است؛ از خشم و نفرت گرفته تا خوشحالی و... اینها عواطفی است که فرد در ایفای نقش از خود بروز می‌دهد؛ چه جلوی دوربین و به روی صحنه تئاتر و چه در گویندگی کتاب‌های صوتی و پشت میکروفن. هرچند که جنس اجرای آنها متفاوت است. شبیه بازی روی صحنه تئاتر به‌مراتب متفاوت‌تر از مقابل دوربین تلویزیون یا سینما است. چگونگی بازی مقابل دوربین، وقتی قرار است از پرده سینما پخش شود با بازی روی صحنه تئاتر که تماشاگر فاصله کمی از شما دارد متفاوت است. از طرفی هیچ‌کدام از اینها شبیه کار پشت میکروفن نیست.

■ **بحث کتاب‌های غیرداستانی را اگر کنار بگذاریم، در همین**

مخاطبان خاص خود را دارد.

■ **خودتان با کدام یک بیشتر موافق هستید؟**

هر دوشیوه خواش باید در دسترس باشد تا مخاطبان بر اساس سلیقه خود انتخاب کنند. یکی از بزرگ‌ترین کمپانی‌های تولید کتاب صوتی آئودیبِل (Audible) است که در امریکا قرار دارد. این شرکت که زیر نظر آمازون فعالیت می‌کند به نقطه‌ای رسیده که از هر کتاب در تولید نسخه صوتی‌اش، دونوع خواش مورد بحث را منتشر و در اختیار مخاطبان می‌گذارد. خب ما هنوز در ایران از نظر مالی چنین بضاعتی نداریم و باید میان یکی از این دو شیوه را انتخاب کنیم.

■ **تا از بحث بی‌اعتمادی ناشران دور نشده‌ایم اشاره‌ای هم به قانون کپی‌رایت داشته باشیم؛ این نگرانی‌ها چقدر از امکان خدشه‌دار شدن حقوق صاحب اثر ناشی می‌شود؟**

بویژه درباره کتاب‌های گویا که فقط با صدا طرف هستیم و این کار منتشر کنندگان غیر قانونی را آسان‌تر می‌سازد.

متأسفانه نه فقط مؤسسه آوانامه، بلکه همه ما، افرادی که در زمینه کتاب‌های صوتی به‌طور جدی مشغول فعالیت هستیم از این مسأله آسیب‌دیده و می‌بینیم، همین چند روز پیش یکی از دوستان به من هشدار داد که فلانی نسخه صوتی‌ات از کتاب زوربا یونانی در یک کانال تلگرامی منتشر شده است. در این‌یکی، دو ماه اخیر با پیام‌های متعددی شبیه همین هشدار دوستانه مواجه شده‌ام. بخشی از این نگرانی‌ها بی دلیل نیست، نمی‌دانم برای این کار چه وازه‌ای به کار ببرم! هرچند که بی‌تعارف این هم دزدی است، فرقی ندارد با این تفاوت که دزدی



گفت وگوی «ایران» با آرمان سلطان‌زاده، گوینده کتاب‌های صوتی

کتاب‌های صوتی رقیب آثار چاپی نیستند

■ **به بحث لحن کتاب‌های صوتی بازگردیم، در ایران که هنوز بضاعت مالی لازم برای انتشار هر دونوع کتاب‌های صوتی موجود نیست، شمار چه اساسی میان این دوشیوه روایت انتخاب می‌کند؟**

رویکرد تولید کتاب‌های صوتی در آوانامه نمایشی است تا کتاب‌های داستانی با یک روایت خشک و فاقد لحن منتشر نشوند. باورمان بر این است که این شیوه مخاطبان بیشتری دارد.

■ **در روند صوتی کردن آثار تعاملی با نویسنده یا مترجم کتاب هم دارید؟**

اغلب کتاب‌هایی که خود من گویندگی آن‌ها را برعهده داشته‌ام آثار خارجی بوده‌اند که مترجمان بخش عمده‌ای از آن‌ها یا در قید حیات نیستند یا اصلاً ایران زندگی نمی‌کنند. اما برای دیگر همکاران گوینده‌ام پیش آمده که در صورت لزوم با نویسنده یا مترجم اثر گفت‌وگو کرده‌اند. حتی گاهی نویسنده پای چند قسمت ضبط آمده و نظر داده است.

■ **چه نگاهی به ورود سلیبریتی‌ها، بویژه از میان اهالی سینما به این کار دارید؟ برخی این مسأله را فرصت و برخی هم آسیبی برای کتاب‌های صوتی می‌دانند.**

نگاه شخصی خودم بر این است که نمی‌توان در هیچ کاری برای کسی تعیین تکلیف کرد؛ هر کسی حق دارد در این روند شرکت کند. اما تصمیم‌گیری درباره نتیجه کار چیزی است که به عهده مخاطبان است. اما جالب است اگر سراغ کامنت‌های مردم در پلنفرم‌هایی مانند طاقچه و فیدیبو بروید با نظرات منفی آنان نسبت به خواش سلیبریتی‌ها روبه‌رو می‌شوید. اکثراً نوشته‌اند: «چرا کتاب را گوینده حرفه‌ای بخواند!» در حوزه کتاب ما به مخاطمانی فرهیخته روبه‌رو هستیم که بد و خوب بودن کار را براحتی تشخیص می‌دهند. طی این سال‌ها فعالان کتاب‌های صوتی سطح قابل قبولی از استاندارد را مقابل مخاطبان گذاشته‌اند و این سبب شده که دیگر به هر کاری، حتی به‌صرف تبلیغات آن چنانی که فلان چهره سینما آن را خوانده رضایت ندهند. مخاطب تأکید می‌کند که من فلان بازیگر را دوست دارم اما برای این فضا مناسب نیست. البته کتاب صوتی هنوز در حکم یک نوزاد تازه متولدشده است و عجیب نیست که ببینیم برخی همکاران دست به آزمون و خطاهایی برای جذب بیشتر مخاطبان بزنند. البته حداقل فایده حضور سلیبریتی‌ها در این عرصه آشنایی طیف بیشتری از مخاطبان با کتاب‌های صوتی است.

■ **تا چند سال قبل اغلب اهالی کتاب تأکید داشتند که تنها کتاب‌های کمتر جدی داستانی و شعر را می‌توان صوتی کرد و درباره سایر کتاب‌ها محدودیت وجود دارد. اما حالا شما که خودتان در این زمینه تجربه کسب کرده‌اید بگویید که چه کتاب‌هایی را می‌توان به صوتی تبدیل کرد؟**

همه کتاب‌ها، مگر آن‌ها که دارای جدول یا تصاویری هستند که مکمل متن است.

■ **و کتاب‌هایی همچون آثار فلسفی که نیاز به تأمل بیشتری دارند چطور؟**

درباره آن‌ها هم محدودیتی وجود ندارد؛ بگذارید مثال دیگری از آن شرکت مشهور امریکایی تولید کتاب‌های صوتی بزنم. آنجا آنقدر این کار جدی شده که بر اساس تقسیم‌بندی‌های موضوعی با گوینده‌های مختلفی روبه رو هستیم، به‌طوری‌که فلان گوینده را مثلاً به کتاب‌های فلسفی می‌شناسند چرا که خودش هم دانش قابل قبولی در آن‌باره دارد و خیلی بهتر از پس گویندگی کتاب‌های فلسفی برمی‌آید. آنجا حتی در گویندگی کتاب‌ها هم به‌سوی تخصص‌گرایی گام برداشته‌اند.

■ **درباره کتاب‌های صوتی با‌تصویراتی روبه‌رو هستیم؛ از جمله اینکه هر موقع می‌توان سراغ آن‌ها رفت. البته بجز وقتی که مشغول کاری باشیم که نیاز به تمرکز دارد. تا چه اندازه موافق چنین گفته‌هایی هستید؟**

این نشأت گرفته از همان نگاه‌هایی است که می‌گویند فقط کتاب‌های داستانی دم‌دستی مناسب صوتی شدن هستند. وگرنه مطالعه در هر شکلی که باشد به تمرکز نیاز دارد. هرچند که این‌ها نسبی است و در نهایت بستگی به عادت‌های خود ما دارد. به‌عنوان نمونه دوستی را می‌شناسم که فقط هنگام پیاده‌روی کتاب صوتی گوش می‌دهد، فرد دیگری موقع خواب به سراغ آن‌ها می‌رود. درعین‌حال خیلی افراد هم پیش از خواب نمی‌توانند سراغ کتاب‌های صوتی بروند چرا که سریع خواب‌شان می‌برد.

■ **از اینکه بیشتر چه طیفی از مردم مخاطب کتاب‌های صوتی هستید، اطع‌ای دارید؟**

اطلاع از چنین مسائلی نیازمند بررسی‌هایی دقیق است که از عهده سازمان‌های بزرگ ساخته است. با این حال بر اساس شنیده‌های خودم گمان می‌کنم بیشتر مخاطبان این آثار کتابخوان‌های حرفه‌ای باشند. البته طی یکی، دو سال اخیر طیف تازه‌ای از نسل جوان هم به جمع علاقه‌مندان آن‌ها پیوسته‌اند.

■ **شرایط کرونا و محدودیت‌های آن چقدر بر افزایش علاقه‌مندان کتاب‌های صوتی اثر گذاشته؟**

طی محدودیت‌هایی که کرونا رقم‌زد، توجه مردم به محصولات فرهنگی و بویژه کتاب‌های صوتی و الکترونیکی خیلی بیشتر از قبل شده است. هرچند که ای کاش این امروز و بیماری کرونا شکل می‌گرفت. امیدوارم این عادت پسندیده که چندی است در برخی شکل گرفته، ادامه پیدا کند. ■ **تأخیر در جریان تحولات جهانی این عرصه چیست؟**

تا حدی که امکان آن باشد پیگیر هستیم. حتی برای اطلاع درباره اینکه رویکرد فلان کمپانی تولید کتاب‌های صوتی چگونه هست هم مطالعه می‌کنم. در امریکا اتجمنی به نام انجمن ناشران صوتی (APA) دایر است که این‌ها تسهیل‌ یک جشنواره شبیه اسکار برای کتاب‌های صوتی برگزار می‌کنند. به بهترین کتاب با گوینده مرد، گوینده زن و به بهترین اجرای گروهی کتاب‌های صوتی جایزه می‌دهند. این نشان می‌دهد که چقدر برای آن‌ها انتشار کتاب صوتی، یک‌دیگر کتاب‌جدی است.

■ **خودتان برای مطالعه سراغ آثار چاپی می‌روید یا صوتی؟**

من با کتاب‌های صوتی خو گرفته‌ام، طبیعی است که بیشتر طرفدار این‌ها باشم.

■ **و در آخر از این بگویید که بعد از حدود یک دهه گویندگی کتاب‌های صوتی، پیش‌بینی‌تان برای آینده این بخش از صنعت نشر‌مان چیست؟**

امیدوارم با همراهی اهالی نشر و از سویی توجه بیشتر مردم شاهد رشد هرچه بیشتر این عرصه باشیم؛ نشرمان در مسیری قدم گذاشته که به سرانجام آن امیدوار هستم.

دولت با همراهی بازوهای قدرتمندی همچون رسانه‌ها قادر به فرهنگ‌سازی است. البته در حوزه کتاب بحث فرهنگ‌سازی زمان بیشتری طلب می‌کند؛ نمی‌توانیم تا آن زمان صبر کنیم و مسئولان باید چاره جدی‌تری ببینند.

■ **شما گذشته از گویندگی، در مؤسسه آوانامه مسئولیت مدیریت بخش نمایش‌ها را نیز به عهده دارید. از هزینه تولید کتاب‌های صوتی و مقایسه‌اش با آثار چاپی بگویید؛ بویژه که در کتاب‌های صوتی بایکسری هزینه‌ها همچون حق التألیف یا حق الترجمه روبه‌رو نیستیم.**

پاسخ دقیق به این سؤال بیشتر از عهده مدیریت مؤسسه ساخته است، با این حال با اطلاعات خودم به نکاتی اشاره می‌کنم. برخلاف تصور رایج که کتاب‌های صوتی باید ارزان‌تر باشند در کشورهای دیگر قیمت آن‌ها دو برابر آثار چاپی است. در ایران قیمت کتاب‌های صوتی، به میزان واقعی هزینه‌هایی که صرف آن می‌شود نیست، اما اینجا تازه ابتدای کار صوتی کرد کتاب است. باید با هزینه‌های هماهنگ شود، حق‌الزحمه‌اش پرداخت شود. همین‌طور بحث قرارداد با ادیتور، آهنگساز، ناظر ضبط و حتی هزینه‌های نگهداری و شارژ سایت و پلنفرم‌ها هم هست. هزینه‌هایی که به برخی از آن‌ها اشاره شد، مبلغ سرسام‌آوری می‌شود.

از فرهنگ تبعات تلخ‌تر ی را رقم می‌زند. گاهی می‌تواند به خاموشی فعالیت‌های یک بخش از کتاب بینجامد؛ لطمه‌ای که شاید براحتی قابل جبران نباشد.

■ **وقتی هنوز به معاهده برن نپیوسته‌ایم و از طرفی کپی‌رایت داخلی هم نداریم چطور می‌توان جلوی این قبیل اقدامات غیرقانونی را گرفت؟**

کپی‌رایت داخلی که داریم، اما بدون قدرت اجرایی جدی و از طرفی خلأهای زیادی برای سوء استفاده کنندگان دارد! متأسفانه ادامه این روند و بی‌توجهی مسئولان به نظارت جدی می‌تواند به تعطیلی آوانامه‌ها بینجامد. مگر چه تعداد مؤسسه به شکل جدی مشغول این کار هستند؟ اگر کاری نشود همین‌ها هم از دست می‌روند.

■ **در این بین پلنفرم‌هایی که عرضه‌کننده کتاب‌های صوتی هستند از نظر نرم‌افزاری قادر نیستند تا حدی جلوی این کار را بگیرند؟**

اتفاقاً به‌تازگی جلسه‌ای با پلنفرم‌هایی همچون طاقچه و فیدیبو داشیم. درباره اینکه چطور می‌توان این آسیب‌ها را به حداقل رساند. آن دوستان هم در تلاش هستند تا حد امکان دست دزدی‌های اینچنینی را کوتاه کنند. به‌عنوان نمونه در فیدیبو امکان کپی کردن و انتقال فایل وجود ندارد.

■ **پیش‌تر که انتقال به کارت‌های حافظه ممکن بود! البته هنوز هم گزینه‌ای انتقال وجود دارد!**

اما این امکان در همین پلنفرمی که گفتم حذف‌شده. البته تا این دوستان موفق به حل مشکلاتی از این‌دست بشوند با مشکلات زیادی روبه‌رو هستیم. ■ **کتاب‌های صوتی هم که قرار بود به معاونت فرهنگی و زیرمجموعه‌های صنف نشر اضافه شوند. هنوز این اتفاق رخ نداده؟**

متأسفانه نه. کتاب‌های صوتی در حال حاضر زیر نظر رسانه‌های دیجیتال معاونت مطبوعاتی است، هنوز به معاونت فرهنگی منتقل نشده. نشر الکترونیک و کتاب‌های گویا به سبب ساختار و شرایط متفاوتی که در مقایسه با کتاب‌های چاپی دارند حتی بهتر است که

حیطه ادبیات، چه وقتی برای کتاب‌ها، شخصیت‌سازی و لحن می‌سازید و چه زمانی کتاب را با خواش ساده ضبط بود و از سویی آوانامه کارنامه قبلی هم نداشتم.

چگونگی خواش کتاب‌های صوتی، اینکه فاقد لحن‌سازی باشد یا همراه با شخصیت‌سازی و... حاصل نشده است.

اینجا بحث سلیقه‌های مختلف در میان است. گوینده ممکن است کتابی را با پنج- شش کاراکتر در دست بگیرد که سن و جنسیت‌های مختلفی دارند. قرار است آن را مذاکره می‌کرد. کار راحتی نیست رفت‌وآمدهایی با این مسافت. اما هم پیگیر بود و هم خستگی ناپذیر. کارمان را از دفتر بسیار کوچکی در بابل شروع کردیم. خوشبختانه بعد از چند سال آن دفتر کوچک ۸۰ متری جای خود را به ساختمانی ۹۰۰ متری با ۵۰ کارمند و ۵۰ گوینده مدعو داده است. در تهران هم دفتر دیگری تأسیس شد.

■ **حالا بعد از هفت- هشت سال کار مداوم نگاه ناشران به مؤسسه‌تان، همچون آوانامه چیست؟**

حداقل بسیاری از ناشران بزرگ ضرورت توجه به شکل کلی تازه کتاب صوتی را پذیرفته‌اند. اگر هفت سال قبل تنها دو ناشر به ما اعتماد داشتند حالا به پانزده ناشر حرفه‌ای افزایش یافته‌اند. حالا که سال‌ها از فعالیت مؤسسه‌تان همچون ما در عرصه کتاب‌های گویا می‌گذرد عجیب است که برخی همچنان اعتماد نمی‌کنند.

تصور اشتباه زیادی هنوز نشرمان را گرفتار کرده؛ گمان می‌کنند که کتاب صوتی به فروش آثار چاپی لطمه می‌زند. در صورتی که این‌گونه نیست. تجربه خود ما در این سال‌ها نشان داده کتاب صوتی رقیب نسخه‌های چاپی نیست. کتاب صوتی نیامده که جای آثار چاپی را تنگ کند. این دو مکمل یکدیگر هستند. خیلی از مخاطبان کتاب‌های صوتی از این طریق کتاب‌خوان‌های جدی شده‌اند و سراغ آثار چاپی هم رفت‌اند.

■ **از شباهت‌های دنیای بازیگری با گویندگی کتاب بگویید. وقتی بحث تئاتر یا فیلم سینمایی است بازیگر باید پیش‌تر فیلم‌نامه یا نمایش‌نامه را بخواند، با آن ارتباط بگیرد، کاراکتر مناسب نقش خود را بسازد و... درباره گویندگی چگونه است؟**

آن‌طور نیست که فکر کنید کتابی را مقابل‌لمان

■ **این اعتمادسازی چه‌طور اتفاق افتاد؟ آن‌هم وقتی که حتی مؤسسه کیلومترها دورتر از محل استقرار ناشران بزرگ بود و از سویی آوانامه کارنامه قبلی هم نداشتم.**

مدیر آوانامه فرد بسیار پیگیری است، خیلی اوقات با گفتن این‌جمله که برو بعدا ببیا، او را از سر خود باز می‌کردند. اما می‌رفت و بازمه بیی درخواست خود بازمی‌گشت و مذاکره می‌کرد. کار راحتی نیست رفت‌وآمدهایی با این مسافت. اما هم پیگیر بود و هم خستگی ناپذیر. کارمان را از دفتر بسیار کوچکی در بابل شروع کردیم. خوشبختانه بعد از چند سال آن دفتر کوچک ۸۰ متری جای خود را به ساختمانی ۹۰۰ متری با ۵۰ کارمند و ۵۰ گوینده مدعو داده است. در تهران هم دفتر دیگری تأسیس شد.

■ **حالا بعد از هفت- هشت سال کار مداوم نگاه ناشران به مؤسسه‌تان، همچون آوانامه چیست؟**

حداقل بسیاری از ناشران بزرگ ضرورت توجه به شکل کلی تازه کتاب صوتی را پذیرفته‌اند. اگر هفت سال قبل تنها دو ناشر به ما اعتماد داشتند حالا به پانزده ناشر حرفه‌ای افزایش یافته‌اند. حالا که سال‌ها از فعالیت مؤسسه‌تان همچون ما در عرصه کتاب‌های گویا می‌گذرد عجیب است که برخی همچنان اعتماد نمی‌کنند.

تصور اشتباه زیادی هنوز نشرمان را گرفتار کرده؛ گمان می‌کنند که کتاب صوتی به فروش آثار چاپی لطمه می‌زند. در صورتی که این‌گونه نیست. تجربه خود ما در این سال‌ها نشان داده کتاب صوتی رقیب نسخه‌های چاپی نیست. کتاب صوتی نیامده که جای آثار چاپی را تنگ کند. این دو مکمل یکدیگر هستند. خیلی از مخاطبان کتاب‌های صوتی از این طریق کتاب‌خوان‌های جدی شده‌اند و سراغ آثار چاپی هم رفت‌اند.

■ **از شباهت‌های دنیای بازیگری با گویندگی کتاب بگویید.**

■ **وقتی بحث تئاتر یا فیلم سینمایی است بازیگر باید پیش‌تر فیلم‌نامه یا نمایش‌نامه را بخواند، با آن ارتباط بگیرد، کاراکتر مناسب نقش خود را بسازد و... درباره گویندگی چگونه است؟**

■ **آن‌طور نیست که فکر کنید کتابی را مقابل‌لمان**

تاراحتی را به مخاطب نشان داد. اما در رادیو چنین خبری نیست. اول و آخر همه چیز در صدای گوینده خلاصه می‌شود. وقتی هر دو عرصه را تجربه کنید متوجه دشواری نمایش رادیویی خواهید شد. این را به‌مرور یاد گرفتیم اما به دلیل برخی شرایط نه‌چندان خوشایند صداوسیما، من و همسرم بعد آسال که نمایش‌های بسیاری ضبط کردیم از رادیو رفتیم. البته ناگفته نماند که کم‌بضاعت بودن توانایی مالی رادیو هم در این تصمیم‌مان نقش بسیاری داشت. دوباره به کار تئاتر بازگشتم تا اینکه سال ۹۳ یکی از دوستان گفت ما ربه فردی معرفی کرده که دنبال تعدادی تئاتری است که صدای خوبی هم داشته باشد.

■ **با کار گویندگی کتاب آشنا بودید؟**

هیچ چیز درباره‌اش نمی‌دانستم، در اوضاع و احوال اقتصادی بدی بودم، روحیه خوبی نداشتم. ■ **و این شرایط مشوق‌تان برای ورود به عرصه‌ای تازه شد؟**

تشویق نشدم اما حس کردم چاره دیگری ندارم. باورم نمی‌شد مؤسسه‌ای تازه کار، آن هم در شهرستان، سرانجامی داشته باشد. با این‌حال در کمال ناامیدی سر قرار با دماون آذری، مدیر فعلی و مؤسس شرکت آوانامه رفتم. به خودم گفتم شاید شارلاتان باشد! تصور می‌کردم همان چند ماه نخست کاسه کوزه‌اش را جمع می‌کند و بیکاری می‌شوم.

■ **بله، تمرکز عمده ناشران بزرگ در پایتخت؟**

بله، فرض حتی صادق بودن او را هم در نظر گرفتیم

که به نظرم بازمه فرقی نمی‌کرد، بعدی می‌دانستم

موفق شود. اما همسرم موافق بود، راستش در مقایسه

با من خیلی خوش‌بین‌تر است و همین شد که پذیرفتم.

هرچند که با کاره! آقای آذری از این گفت که درصدد تولید

کتاب‌های صوتی است، دنیایی که برای من غریب به نظر

می‌رسید.

بویژه که هنوز هیچ‌کدام از این- مؤسسات تولید کتاب‌های گویا به شکل امروز فعال نبودند، نوین کتاب